

نباید‌های فقهی رسانه با تأکید بر امنیت و قاعده لاضرر

محمدحسن گلی شیردار^۱

صالح منتظری^۲

حامد مایلی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و یکم - تابستان ۱۴۰۰: ۷۱-۳۷

چکیده

امروزه رسانه، نقشی بی‌بدیل و مهم در جوامع پیدا کرده و به دلیل کارکردهایی که دارد، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت فرد و جامعه داشته باشد. چگونگی حفظ امنیت فرد و جامعه در خلال کارکردهای رسانه، دغدغه‌ای بسیار مهم و به جا است. با توجه به جایگاه فقه در تنظیم قوانین کشور، فقه توانایی لازم را برای حفظ امنیت فرد و جامعه در حوزه فعالیت رسانه‌ای داشته و گزاره‌های دستوری لازم را به دست می‌آورد. فقه امامیه با توجه به آموزه‌هایی که ارائه می‌کند، دستوراتی را تنظیم و ارائه نموده است که با رعایت آن‌ها، جامعه قادر به حفظ امنیت فردی و اجتماعی در حوزه رسانه بوده و شرایط مناسبی جهت اطلاع‌رسانی صحیح را در حوزه رسانه ایجاد می‌کند. از فقه امامیه می‌توان در مباحثی مانند ارتداد، نشر اکاذیب، تهمت، نشر محتوا علیه عفت عمومی و مقدسات اسلامی، حفظ کتب ضلال و ... برای تبیین مبانی فقهی امنیت فردی و اجتماعی در حوزه رسانه بهره گرفت. در این بررسی، از چارچوبی سه‌وجهی که متکی بر مکتب فرهنگ‌گرای پیتر کاتزنشتاین، نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه و قاعده فقهی لاضرر است، در اثبات این ادعا بهره گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

فقه امامیه و امنیت؛ فقه امامیه و رسانه؛ رسانه و امنیت؛ امنیت و قاعده لاضرر.

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

Mhgoleshirdar1964@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

Salehmontazeri@ujss.ac.ir

۳. نویسنده مسئول: دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

Hamed.mayeli@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

زندگی اجتماعی انسان، او را به تعامل و ارتباط هرچه بیشتر با دیگر هموعان فرامی خواند. به تبع این میل انسان به توسعه روابط با دیگران و کسب آگاهی بیشتر از یکدیگر و از دنیای پیرامون، رسانه‌ها نیز رونق هرچه بیشتری پیدا می‌کنند. در این میان، تکنولوژی نیز به مدد این ارتباطات آمده و رسانه را از تکثر کمی و کیفی بسیاری برخوردار کرده است. با توجه به شرایط مختلف جوامع بشری، سؤالات مهمی نیز در مورد رسانه و نحوه به‌کارگرفتن آن مطرح می‌شود، به‌خصوص در مورد جوامعی که براساس جهان‌بینی خود، انسان را دارای اهدافی غیرمادی نیز می‌دانند؛ سؤالاتی مانند حدود و ثغور فعالیت رسانه‌ای چیست؟ آیا انسان برخوردار از آزادی بیان، مسئولیتی (مانند رعایت امنیت دیگران) نیز در مقابل حق بیان دارد؟ آیا می‌توان مرزهایی را برای فعالیت رسانه‌ای تعریف کرد؟

از طرف دیگر «امنیت» یکی از لوازم مهم زندگی جمعی سالم است. امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطلوب هر انسان عاقلی است و حکومت‌ها نیز حفظ امنیت داخلی و امنیت ملی خود را بسیار مهم می‌انگارند. رسانه با توجه به تأثیری که بر افکار عمومی دارد، می‌تواند با درج مطالب خلاف واقع یا اختلاف‌آفرین و ...، امنیت را مخدوش نماید.

وجه دیگر این منظومه را قانون ترسیم می‌کند که در واقع روابط رسانه و امنیت را به نحوی ترسیم و تنظیم می‌کند که با حفظ و رعایت آزادی بیان در رسانه، امنیت نیز دچار اختلال نشود. قانون مدنظر در این پژوهش، با توجه به زیربنای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، فقه امامیه است.

در این مقاله رابطه امنیت و رسانه مورد توجه قرار گرفته و تلاش می‌شود با توجه به رابطه و تأثیر محتوای رسانه بر افزایش یا کاهش امنیت، ضوابطی از فقه امامیه ارائه شود که با رعایت آن‌ها در حوزه رسانه، امنیت فردی و اجتماعی فراهم می‌گردد. امروزه امنیت از عوامل مختلفی متأثر می‌شود و نیاز است - به‌عنوان یکی از مقدمات این پژوهش - تناسب امنیت و رسانه مورد بررسی قرار بگیرد.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های سابق، این رویکرد که از مجموع ادله فقهی موجود - ضابطه‌هایی که تضمین‌کننده امنیت در فعالیت‌های رسانه‌ای باشند - استخراج نشده است. برخی از این پژوهش‌ها صرفاً موضوعی خاص و مشترک میان فقه و رسانه را مورد توجه قرار داده‌اند.



تعدادی از این نوع پژوهش‌ها عبارتند از: احمدی (۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مصادیق و مستثنیات غیبت در رسانه‌های ارتباط جمعی»؛ قدوسیان (۱۳۹۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «احکام و آثار غیبت از طریق رسانه‌های ارتباطی روز در فقه اسلامی»؛ ایران‌نژاد (۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مسئولیت مدنی رسانه‌ها در قبال نقض حریم خصوصی شخصیت‌های عمومی»؛ علیزاده جابری (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی اخلاقی دروغ در رسانه»؛ قانع (۱۳۸۱)، رساله دکتری با عنوان «بررسی موضوع و حکم کتب ضاله»؛ نوربخش (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «معیار حرمت رسانه‌های ضاله در فقه و حقوق اسلامی»؛ امینی (۱۳۹۳) پژوهش با عنوان «نشر اکاذیب در مطبوعات»؛ مهدیه‌علاه‌زندی (۱۳۹۵) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «توهین به مقدسات در حوزه مطبوعات»؛ حامد نعیمی (۱۳۹۴)، رساله دکتری با عنوان «بررسی حفظ حریم خصوصی افراد در رسانه از منظر فقه امامیه»، فاطمه ولی‌پور (۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی احکام خبررسانی» و زهرا نجفی (۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی خبر و خبررسانی». این دست پژوهش‌ها، فاقد رویکرد امنیتی به موضوع بوده‌اند.

برخی از پژوهش‌ها نیز اگرچه رویکردی امنیتی به رسانه داشته‌اند ولی نگاه فقهی به این مسأله نداشتند. تعدادی از این پژوهش‌ها عبارتند از: قباد نوری (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «تأثیر عملیات روانی رسانه‌های غربی بر ابعاد سیاسی - اجتماعی امنیت ملی»، محمدمحسن دوباشی (۱۳۹۲)، تحقیقی با عنوان «تأثیر برنامه‌های صدا و سیما بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، علیرضا خسروی (۱۳۹۱)، مرتضی نورمحمدی (۱۳۸۹)، رساله دکتری با عنوان «گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تحول پدیده امنیت» و منصور (۱۳۹۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تهدیدات فرهنگی و راهکارهای تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه امام خمینی(ره)».

در کنار این موارد پژوهش‌هایی هم انجام پذیرفته که به واکاوی مناسبت‌های فقه و امنیت پرداخته‌اند ولی از موضوع رسانه غافل بوده‌اند. مواردی مانند محمدرضا حق‌پرست کنارسری (۱۳۸۹)، که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ابعاد امنیت ملی و حراست از آن از نظر فقه شیعه و حقوق موضوعه»، به بررسی تناسب فقه و امنیت ملی پرداخته ولی موضوع رسانه مورد توجه پژوهش او نبوده است. طاهره ابولی گوکی (۱۳۸۹) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «جرایم علیه امنیت ملی در فقه و



حقوق اسلامی»، اگر چه از رویکرد فقهی بهره‌مند است ولی امنیت را در حوزه رسانه پیگیری نکرده است.

در این میان می‌توان سراغ دسته دیگری از پژوهش‌ها را گرفت که تناسب رسانه یا امنیت را با آموزه‌های دینی سنجیده‌اند ولی به بررسی سنجه‌های فقهی نپرداخته‌اند؛ مواردی مانند محمود اربابی (۱۳۹۱) رساله دکتری با عنوان «تلویزیون و آداب (اخلاق و رسانه‌ای) رسانه»؛ رضا واعظی (۱۳۹۵)، رساله دکتری با عنوان «رسانه طراز انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(دام‌ظله) با تأکید بر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» و علیرضا خسروی (۱۳۹۱)، رساله دکتری با عنوان «مکتب امنیتی امام خمینی(ره) (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)».

مفهوم‌شناسی امنیت

امنیت واژه‌ای عربی است که از ریشه اَمِن به معنای اطمینان و آرامش در برابر خوف است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۸۹). «معادل لاتین آن Security است که به معنای حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای هر تهدید و حمله می‌باشد» (آشوری، ۱۳۷۰: ۳۹). «امنیت دو بعد عینی و ذهنی دارد. امنیت ذهنی یا به اصطلاح امنیت پنهان که نسبت به سایر اشکال امنیت، همانند روح است نسبت به جسد، کمتر مورد توجه واقع شده است. در تبیین دو وجه عینیت و ذهنیت امنیت که عموماً امنیت را در قالب تهدیدنکردن تعریف کرده‌اند، باید اضافه کرد امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست و این همان امنیت ذهنی است؛ لذا امنیت شامل معانی اطمینان، عدم خوف و درمان بودن و نهراسیدن است و دربردارنده احساس امنیت در حالات و موقعیت‌های ذهنی تا ایمنی و اطمینان خارجی در موقعیت‌های عینی و بیرونی است و وضعیت فیزیکی را با حالت فکری درهم می‌آمیزد» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹). در مجموع می‌توان گفت معنای لغوی امنیت، هم ناظر به بعد بیرونی است که خطری از خارج، انسان را مورد تهدید قرار ندهد و هم ناظر به بعد درونی است که نوعی امنیت ذهنی و درونی محسوب می‌شود.

اما در مورد معنای اصطلاحی امنیت، «برخی امنیت را در نبود تهدید تعریف کرده و در تعریف آن، توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات را خاطر نشان کرده‌اند. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و رئالیستی از خطرات فیزیکی، ملموس و مادی خارجی است» (نویدنیان، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷). «در این گفتمان که سلبی است، امنیت بر وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یا نسبت به منافع بازیگر تهدیدی از سوی دیگران وجود نداشته باشد یا در صورت وجود تهدید، امکان مدیریت آن برای بازیگر (تهدید شونده) حاصل باشد» (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۵).



در مقابل این نگاه به امنیت، تعریف دیگری نیز وجود دارد که امنیت را به معنای توانمندی بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها تلقی می‌نماید. «درواقع مبنای این تعریف بر نگرش ذهنی و تفسیرگرایانه از خطرات غیرمادی مبتنی است» (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷). با توجه به تعاریف مختلف می‌توان گفت یکی از معیارهای مهم امنیت، حفظ ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. یعنی «در هر نگرشی نسبت به امنیت، مسأله ارزش‌ها برای انسان مطرح می‌شود. انسان با توجه به ارزش‌های موجود در زندگی خود و امکان تهدید یا تأمین آن‌ها، نسبت به پدیده‌ها موضع مشخصی می‌گیرد» (اخوان کاظمی، ۲۰: ۱۳۸۵). این توجه به ارزش‌ها در تعریف امنیت، نقطه آغازین ارتباط دین با ابعاد ذهنی و روانی امنیت است.

آرنولد و لفرز در تعریف امنیت می‌گویند: «امنیت در معنای عینی آن، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد» (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲-۳۳). در تعریف دیگری از امنیت این‌طور ذکر شده است: «امنیت در بُعد عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف و در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها و منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع شوند، مورد سنجش قرار می‌گیرد» (تاجیک، ۴۷: ۱۳۸۱).

مفهوم و گفتمان‌های امنیت در مطالعات جدید

در مجموع، «امنیت دو معنای ایجابی؛ یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر ... و سلبی؛ نبود ترس، اجبار و تهدید دارد» (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۷). با توجه به اینکه مفهوم امنیت، بیشتر در ادبیات کشورهای غربی شکل گرفته و توسعه یافته است، ذکر مختصری از تطور معنایی امنیت، ضروری است. رویکردهای رایج درباره ابعاد امنیت را که مبین تحول مفهومی امنیتی نیز هست، می‌توان در خلال چهار موج مطالعاتی طبقه‌بندی کرد (لیتل و مکین لای، ۱۳۸۰: ۲۸-۱۱). گفتمان امنیت سلبی شامل دو رویکرد سنتی و فراسنی و گفتمان امنیت ایجابی شامل دو رویکرد مطالعات مدرن و فرامدرن می‌باشد.

گفتمان اول: امنیت منفی

این گفتمان امنیت، جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف می‌شود. به عبارت دیگر هر تعریفی از امنیت که ویژگی دفع یا رفع داشته

باشد اعم از تهدید و آسیب‌پذیری احساس این دو، در این گفتمان جای می‌گیرد. این گفتمان که پیشینه تاریخی مفصلی دارد، دو موج مطالعاتی را در درون خود جای می‌دهد:

موج اول: رویکرد سنتی

«شاخصه بارز رویکرد سنتی^۱، تأکید تحلیل‌گران بر بُعد نظامی و تقویت توان نظامی از راهبردهای اصلی آن است» (دهقانی، ۱۳۹۰: ۹۶). «در این رویکرد، امنیت با بقا و حفظ فیزیکی نظام سیاسی و حکومت مساوی تلقی شده و تهدید امنیتی به منزله خطراتی است که از جانب ابزار نظامی متوجه جان، مال، سرزمین و حاکمیت کشورهاست» (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

موج دوم: مطالعات فراسنتی

در مطالعات فراسنتی^۲، ابعاد دیگری غیر از بعد نظامی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و توجه به امنیت موسع شروع می‌گردد. «ریچارد اولمن در سال ۱۹۸۳ میلادی، اولین مقاله را در نقد امنیت مضیق نوشت. نقد مؤثر دیگر توسط هافندون در سال ۱۹۹۱ میلادی ارائه شد و سرانجام باری بوزان این موضوع را بسط بیشتری داده و امنیت را در پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد مطالعه قرار داد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۱-۱۴۰). به اعتقاد بوزان، «این ۵ بخش جدای از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه به‌طور اجتناب‌ناپذیری به هم وابسته‌اند و به‌صورت‌های مختلفی با هم تداخل دارند. هر یک از آن‌ها کانون مهمی در درون مسأله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها داشته و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

گفتمان دوم: امنیت مثبت

در گفتمان اول، سلبی‌نگری گفتمانی غالب بود؛ اما بررسی جامع حوزه امنیت اقتضا می‌کند که به ویژگی‌های ایجابی نیز توجه شود. یعنی علاوه بر توجه به نفی تهدیدات عینی یا ذهنی، ضروری است شرایطی ایجاد گردد که اهداف و خواسته‌ها از جمله امنیت، محقق شوند. گفتمان ایجابی معتقد است که امنیت، ماهیت تأسیسی دارد و باید جامعه را به سطح مقبولی از اطمینان رسانید تا بتواند از منافع خود تحصیل و پاسداری کند. در همین راستا، رابرت ماندل از تعبیر تعقیب امنیت به جای کسب امنیت استفاده می‌کند (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۶). گفتمان امنیت مثبت شامل دو موج سوم و چهارم مطالعات امنیتی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

موج سوم: مطالعات مدرن

1. Traditional Studies
2. Post Traditional Studies



«پیروان مطالعات امنیتی مدرن به جای اینکه اصول امنیتی خود را از چگونگی امنیت در طبیعت استخراج کنند و طبیعت را به عنوان موضوع قرار دهند و در نتیجه، دچار نقیصه گفتمان امنیت منفی شوند، طبیعت و نحوه تأمین امنیت در آن را الگو قرار داده و به بیان اصول مشابهی برای جوامع بشری پرداخته‌اند؛ نتیجه این الگوگیری ارائه ۱۵ اصل است که عبارتند از تکامل تدریجی، تنوع، فراوانی، صرفه‌جویی، همزیستی، دفاع، آسیب‌پذیری، خودترمیمی، آزادی، پیوستگی منافع، عدالت، مشارکت، آینده‌نگری، تخیل و برنامه‌ریزی» (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۰).

موج چهارم: مطالعات فرامدرن

امواج سه‌گانه یادشده علی‌رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشتند، این ویژگی مشترک را داشتند که چارچوب دولت - ملت مورد پذیرش آن‌ها بوده است؛ اما اهمیاتی به امنیت منطقه‌ای و جهانی نداشته‌اند. در موج چهارم مطالعات امنیت، نگاهی جهانی پیدا می‌شود. در امنیت جهانی، اصل بر امنیت انسان است؛ بنابراین می‌توانیم آن را به امنیت انسانی تعبیر کنیم. مفهوم امنیت جهانی با امنیت فردی و اجتماعی و حتی امنیت ملی و منطقه‌ای جمع‌پذیر است، اگرچه فرهنگ حاکم بر آن نسبت به نحوه مهندسی انواع دیگر، تفاوت دارد» (دهقانی، ۱۳۹۰: ۹۹-۹۸).

تعریف امنیت براساس گفتمان‌های امنیت

اگر آخرین دستاورد فکری در حوزه امنیت را همین تعریف اخیر در برداشت انسانی از امنیت در نظر بگیریم، می‌توان تلقی مشترکی از امنیت به عنوان امنیت انسان تعبیر کرد. این نگاه، امنیت را کمی از حوزه‌های سخت امنیت دور کرده و ما را به امنیت نرم رهنمون می‌کند. در یکی از تعاریف امنیت این طور ذکر شده است: «امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف است و در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع شوند» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۴۷). در تعریف دیگری از امنیت این طور ذکر شده است: «امنیت، رسیدن به سطحی از اطمینان خاطر برای تحصیل و صیانت از کلیه منافع ملی است» (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۸).

با توجه به آنچه گذشت، تعریف منتخب این پژوهش که تعریفی کامل‌تر و به‌روز است و البته با فضای رسانه و فعالیت رسانه‌ای نیز هماهنگی بهتری دارد، در قالب موج چهارم مطالعات امنیت بوده و بدین ترتیب خواهد بود: امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف است و در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع بشوند. البته به لحاظ

سلبی بودن نگاه موردنظر در این پژوهش، از امنیت در مطالعات فراسنتی نیز استفاده شده است؛ چراکه در بررسی بسیاری از ابواب فقهی در این رابطه، به محدوده‌ها و نهی‌های موجود پرداخته می‌شود تا امنیت برقرار شود.

برای جمع‌بندی نهایی در مورد تعریف منتخب این پژوهش در مورد امنیت، ضروری است که با توجه به تعاریف ارائه‌شده از امنیت و ابعاد و سطوح آن، بعد از بررسی رسانه و تأثیر رسانه بر امنیت، مواردی از انواع و سطوح امنیت را شناسایی کرد که متأثر از رسانه است.

مفهوم رسانه و نقش آن در امنیت

بعد از آشنایی با مفهوم امنیت، با توجه به موضوع این پژوهش، نیاز است که مفهوم رسانه نیز به‌درستی شناسایی شود تا تناسب رسانه و امنیت مشخص گردد. پروفیسور «ژان استول تزل» مدیر انستیتوی افکار عمومی فرانسه عقیده دارد که ارتباطات جمعی عبارت است از انتقال اندیشه‌ها به تعداد فراوانی از افراد در آن واحد. «ژان کازنو» در این خصوص می‌گوید که وسایل ارتباط جمعی، وسایلی هستند که در شرایط خاص تمدن‌های جدید ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و مهمترین خصلت آن‌ها، شدت نفوذ و وسعت حوزه عمل آن‌هاست» (معمتمدنژاد، ۱۳۷۹: ۴۱).

«رسانه یا وسایل ارتباط جمعی در دو معنای مصطلح به کار رفته‌اند؛ نخست به معنای وسیله یا حاملی که چیزی (مثل اطلاعات، افکار، اندیشه‌ها، نشانه‌ها، تصویر و در کل پیام) از طریق آن جریان می‌یابد و دوم، چیزی که محتوایش بیشتر معطوف به فعل یا عمل است تا وسیله یا حامل؛ به این معنا که گاه می‌تواند خود به عنوان عامل مؤثر یا تأثیرگذار بر وقایع یا رخدادها باشد» (کازنو، ۱۳۸۴: ۴).

تأثیر رسانه بر امنیت

رسانه نقش مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی - امنیتی، بسترسازی افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی برعهده دارد. رسانه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته‌اند، می‌توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام امنیت باشند. چشم‌انداز مطالعاتی مردم هر جامعه، خود ریشه در فرستاده‌هایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. در این مورد می‌توان بیان داشت که رسانه‌ها می‌توانند شفاف، تاریک یا مبهم باشند؛ بنابراین رسانه‌های دیداری و نوشتاری کارکرد امنیت‌ساز دارند و در ایجاد امنیت نقشی مؤثر و مفید ایفا می‌کنند. تأکید بر نقش مثبت رسانه‌های گروهی بر امنیت اجتماعی، نباید ما را از تأثیر منفی این ابزارها باز دارد. آن‌گاه که رسانه‌ها در کارکرد منفی نقش وارونه



برعهده می‌گیرند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم و تاریک خواهند ساخت» (بیابانی، ۱۳۸۱: ۳۶).

رسانه‌ها برحسب دگردیسی کارکردی، تعاریف جدیدی یافته‌اند که با تعاریف سنتی تا حد قابل توجهی متمایز است. یکی از جدیدترین تعاریفی که اندیشمندان و صاحب‌نظران رسانه‌های جمعی با تأکید بر موضوع و هدف رسانه‌ها مطرح کرده‌اند، عبارت است از «انتقال اطلاعات، اندیشه‌ها، نگرش‌ها یا عواطف از یک شخص یا گروه به دیگری یا دیگران که بیشتر از طریق نمادها صورت می‌گیرد. رسانه‌ها در دنیای کنونی در عین تنوع، بسیار پیچیده‌اند و بسان یک شمشیر دولبه هستند که هم می‌توانند کارکرد مثبت داشته باشند و هم کارکرد منفی. براساس این واقعیت، رسانه‌ها در روند تثبیت یا وفاق، امنیت عمومی و مشارکت همه‌جانبه مردم در تأمین امنیت عمومی و ...، نقش‌ها و کارکردهای مختلفی نمود می‌یابند؛ کارکردهایی که برآمده از توجه یا بی‌توجهی به ساختار فرهنگی جامعه و شدت و شتاب تغییرهای آن هستند» (لرنی و مصلحتی، ۱۳۸۵: ۹۹). به عبارت دیگر، «رسانه‌های جمعی در فرایند تداخل ضروریات اجتماعی و فرهنگی که از شتاب زندگی تاریخ در عصر ما نشئت می‌گیرد، می‌توانند نقش‌های سازنده یا ویرانگر داشته باشند. آن‌ها می‌توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی، فرهنگی و تاریخی یا پیش‌افتادگی بخش‌ها در نهایت به تشدید ناموزونی توسعه بپردازند. روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه‌ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه تقویت امنیت ملی مدنظر است؛ اما در ازهم‌گسیختگی رسانه‌ها، تهدید امنیت ملی^۱ قابل پیش‌بینی است» (خانیک، ۱۳۷۶: ۳۵۹).

مفهوم فقه

فقه در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است؛ مطلق علم و آگاهی (ابن‌منظور، ۱۴۱۲ ق: ۵۲۲)، مطلق فهم و ادراک و فهم همراه با دقت و تأمل (مطهری، بی‌تا: ۵۳). فقه در مفهوم اصطلاحی نیز به دو معنا به کار رفته است؛ گاهی به معنای احکام شرعی می‌باشد که غالباً در رساله‌های عملیه به کار رفته است و گاهی نیز به معنای دانشی اجتهادی است که

۱. آنچه بعد از تبیین تأثیرگذاری رسانه بر امنیت لازم به ذکر است، این است که متأسفانه رویکرد نامناسبی در کشور وجود دارد که تلاش می‌کند به بهانه اطلاع‌رسانی، به درج مطالبی بپردازد که حفظ امنیت فرد و جامعه، در آن لحاظ نشده است. این جریان که معمولاً سیطره قابل توجهی در فضای رسانه‌ای کشور داشته، با نقد ارزش‌های اساسی جامعه، همواره امنیت جامعه را به مسلخ مطامع و اهداف سیاسی خود برده است. اگر چه جریان مذکور افت و خیزهایی در عرصه قدرت داشته ولی افراطی که در استفاده از شعار آزادی بیان داشته است، گاهی به نآرامی‌ها و درگیری‌های اجتماعی نیز منجر شده و علاوه بر سلب امنیت روانی، امنیت اجتماعی را نیز دچار چالش‌هایی جدی کرده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: (منعمی، ۱۳۹۸) و (انبارلویی، ۱۳۸۱).

فقیه با مراجعه به ادله مربوطه (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، احکام را استخراج می‌نماید. تعریف معروف اصطلاح فقه عبارت است: «علم به احکام شرعی فرعی براساس ادله تفصیلی آن‌ها» (عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۲۶۴).

ویژگی‌ها و خصوصیات امنیت در این پژوهش

با توجه به تعاریف مختلف امنیت و کارکردهای رسانه و تأثیر رسانه بر امنیت، در مورد امنیت مدنظر این مقاله باید گفت:

۱. یکی از معیارهای مهم امنیت، حفظ ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. این توجه به ارزش‌ها در تعریف امنیت، نقطه آغازین ارتباط دین با ابعاد ذهنی و روانی امنیت است.
۲. امنیت در بعد عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف و در جهت ذهنی، فقدان ترس از این است که بنیان‌های ملی (ارزش‌ها و منافع و اهداف) مورد هجوم واقع شوند.
۳. امنیت مدنظر این مقاله جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف می‌شود.
۴. این رویکرد اگر چه سلبی است؛ ولی می‌تواند شامل گفتمان امنیت انسانی باشد و به نوعی در مطالعات فرامردن نیز تعریف می‌شود و از نظر ماهیت همانند امنیت دسته جمعی، فرامرزی است و از نظر تنوع ابعاد، همانند امنیت فراگیر، ناظر بر ابعاد ذهنی و روحی نیز می‌باشد. علی‌رغم سلبی بودن نگاه موردنظر در این پژوهش، از امنیت در مطالعات فراسنتی نیز استفاده شده است؛ چرا که در بررسی بسیاری از ابواب فقهی در این رابطه، به محدوده‌ها و نهی‌های موجود پرداخته می‌شود تا امنیت برقرار شود.
۵. در ابعاد امنیت نیز امنیت واقعی مدنظر است نه خیالی و مجازی.
۶. براساس سطوح تحقق امنیت، امنیت مدنظر این پژوهش که ممکن است به وسیله رسانه تهدید شود، امنیت فردی، امنیت خانوادگی، اجتماعی و ملی است.
۷. براساس نگاه فرهنگی به امنیت، شخصیت و هویت افراد نباید مورد تهدید واقع گردد.



۸. از نظر موضوع نیز امنیت مدنظر می‌تواند امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد ولی موضوعاتی مانند امنیت قضایی، زیست محیطی و اقتصادی از موضوع این مقاله دور هستند.

حال باید بررسی کرد که فقه امامیه چگونه و در چه ابوابی به ترسیم حدود فعالیت رسانه‌ای اقدام نموده تا امنیت با چنین ویژگی‌هایی حفظ شده و در نتیجه فعالیت رسانه‌ای، ضرری متوجه امنیت دیگران نشود؟

چارچوب نظری

بررسی مناسبات رسانه و امنیت با رویکرد فقهی، نیازمند یک چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش است. برای تبیین این چارچوب در حوزه مطالعات امنیت، به سراغ مکتب فرهنگ‌گرا رفته و نظرات پیتر کاتزنشتاین بیشتر مورد نظر قرار گرفته است. در حوزه مطالعات رسانه نیز ذیل نظریه هنجاری رسانه، نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه، ضلع دیگری از چارچوب نظری بحث را تبیین می‌کند تا در نهایت، با توجه به قاعده فقهی لاضرر در فقه امامیه، بتوان تحلیل جامعی از روابط امنیت، رسانه و فقه ارائه نمود.

امنیت و فرهنگ در مکتب فرهنگ‌گرا

در میان رویکردهای مختلف در حوزه مطالعات امنیتی، برخی رویکردها به مفاهیم فرهنگی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. این توجه در مفاهیمی مانند «هویت» و «فرهنگ راهبردی»^۱ بیشتر عنوان شده است. «رویکرد سازه‌گرا»^۲ را می‌توان یکی از عمده‌ترین مکاتب فرهنگ‌گرا و پیتر کاتزنشتاین^۳ را می‌توان از جمله متفکران برجسته این مکتب محسوب نمود. بن‌مایه اثر او با عنوان «فرهنگ امنیت ملی» این است که منافع امنیت ملی توسط بازیگرانی تعریف می‌شود که به عوامل فرهنگی پاسخ می‌دهند. البته این بدان معنا نیست که کاتزنشتاین، قدرت به معنای قابلیت‌های مادی را در تحلیل مفهوم امنیت نادیده می‌گیرد؛ بلکه او بر دلالت‌های فرهنگی حوزه قدرت، سیاست و امنیت بر بازیگران تأکید می‌کند. یکی از مفروضات اصلی سازه‌گرایان در حوزه امنیت آن است که ساختارهای اساسی سیاست و امنیت، ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی‌اند. سازه‌گرایان معتقدند که هویت و منافع، متغیرهای درونی هستند و این هویت است که به‌طور مستمر توسط

1. Strategic Culture
2. Constructivist
3. Peter Katzenstein

بازیگران ساخته شده و منافع مختلف، از هویت‌های خاص هر یک از بازیگران شکل می‌گیرد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۵).

اهتمام کاتزنشتاین به عوامل فرهنگی در ساختار امنیت، در آخر فضایی را ترسیم می‌کند که عدم توجه بدان می‌تواند معادل عدم امنیت ترجمه شود. در سنت نظری پسا ساختارگرایی در حوزه امنیت نیز توجه به مفهوم فرهنگی هویت به شکلی برجسته وجود دارد. دالبی^۱ بر این نکته تأکید می‌کند که «کنش‌های دولت‌ها در حوزه امنیت در اصل، حاصل تلاش‌های آن‌ها برای بازتولید هویت خودشان است» (دالبی، ۱۹۹۰: ۷). آن چنان که هویداست، جایگاه هویت در برساخت‌های فرهنگی در جوامع انسانی در حوزه مطالعات امنیتی این نظریه، بسیار مهم است. فارغ از معنای موسع هویت که حوزه‌ها و مصادیق بسیاری در فکر، اندیشه و اعتقاد دارد، همواره در تعاریف امنیت ملی تأکید بر حفاظت از ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های عمدتاً خارجی، مطرح است (تراگر و سیمون، ۱۹۷۳: ۳۶) و این ارزش‌های حیاتی ملی هستند که بایستی الزاماً در حوزه رسانه پاس داشته شوند. درنهایت تهدید امنیت ملی، تهدیدی است که کیفیت زندگی را برای اتباع یک کشور کاهش داده (اولمان^۲، ۱۸۹۳: ۱۳۳) و ارزش‌های کسب‌شده در معنای ذهنی را تهدید قرار می‌کند (ولفرز^۳، ۱۹۶۲: ۱۵۰). تهدید هویت ملی به عنوان هسته اصلی تهدیدات امنیت فرهنگی ملی می‌تواند عاملی باشد که در تلاش برای تضعیف مذهب، هویت و عرف ملی بوده و به بیان بوزان «درنهایت در محیط امن فرهنگی است که قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول محقق می‌شود» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

«بستر امنیت در حوزه فرهنگ، موجب می‌شود تا هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و رفتارها، در فضای مطمئنی رشد یافته و امکان پویایی داشته باشند. فرهنگ مقوله‌ای است که به لحاظ مفهومی، سکوی پرش ملت‌ها به سمت ایده‌آل‌ها و آرمان‌هاست. به تعبیر دیگر، فرهنگ، به فعلیت رساندن خلاقیت بالقوه جامعه است که شامل هنر و ادبیات، شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها می‌شود» (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۰). برگردان ارزش‌های حیاتی ملی در اعتقادات جامعه و حفظ هویت، شخصیت و کرامت انسان، ترسیم‌کننده پایه‌های اصلی امنیت فرهنگی هستند و آنچه



امنیت فرهنگی را تهدید می‌کند، درنهایت هر آن چیزی است که مبانی اعتقادی را مخدوش کرده یا کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و نظریه مسئولیت اجتماعی

اندیشمندانی که در مورد کارکردهای رسانه پژوهش کرده‌اند، کارکردهای متفاوتی را برای رسانه‌ها بیان می‌کنند. هارولد لاسول و چارلز رایت، دو تن از پژوهشگرانی هستند که به نقش و کارکرد رسانه‌ها توجه نشان داده‌اند. آن‌ها معتقدند که «رسانه‌ها چند کارکرد دارند: کارکرد نظارت بر محیط (نقش خبری)، ایجاد همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط (نقش ارشادی یا راهنمایی)، انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی) و سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت» (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۸۳).

در مقام تحلیل هنجارهای حاکم بر رسانه‌ها نیز، طیفی از تئوری‌پردازی‌ها تحت عنوان تئوری‌های هنجاری رسانه‌ها مطرح شده است که بایدها و نبایدها و حدود و ثغور عملکردهای رسانه‌ها را براساس نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه تبیین می‌کنند. این نظریه‌ها به ترسیم رابطه دولت، رسانه و جامعه اهتمام ورزیده و «بر بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباطات جمعی و نظام کنترل و مالکیت آن‌ها بر محتوای رسانه تأثیرگذار بوده و این امر، به نوبه خود اثرات رسانه‌ها را مشخص می‌سازد» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۵).

مک کوئیل با شمارش کردن این نظریه‌های هنجاری، آن‌ها را در قالب مدل‌های شش‌گانه (اقتدارگرا، لیبرال، کمونیسم، مسئولیت اجتماعی، توسعه‌بخش و مشارکت دموکراتیک) ارائه کرده است که الگوی مسئولیت اجتماعی به دلیل تطابق بهتر با شرایط و قوانین رسانه در ایران، یکی از ابعاد سه‌گانه چارچوب مقاله حاضر است.

«براساس تصمیم کمیسیون آزادی مطبوعات در سال ۱۹۷۴ در ایالات متحده آمریکا، فعالیت رسانه‌ها در جامعه باید با مسئولیت اجتماعی همراه باشد از این‌رو، این نظریه را می‌توان برآمد این کمیسیون دانست؛ زیرا بر این نکته تأکید می‌نماید که رسانه‌های همگانی، درحالی که امور اطلاع‌رسانی، تفریحی و آموزشی را به عهده دارند، مسئولیت انعکاس بی‌دخل و تصرف همه رخدادهای، کشمکش‌ها و نظریات طرح‌شده در جامعه و گفت‌وگو درباره آن‌ها را نیز به عهده دارند از این‌رو، اگر رسانه‌ها به تعهدات خود عمل نکنند یا اصل بی‌طرفی را رعایت نکنند، باید آن‌ها را وادار به رعایت این مسئولیت‌ها کرد» (شهامی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

«در این نظریه، اصل بر ایجاد پیوند میان «استقلال و آزادی رسانه‌ها»، و «وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی» آن‌ها است که تأکیدش بر آن است که رسانه‌ها باید در عین

پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود نیز مسئول باشند و وظایف خود را به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها محدود ندانند. مضمون اصلی این نظریه این است که آزادی و مسئولیت دو روی یک سکه‌اند و همان‌گونه که رسانه‌ها حق دارند از دولت و سایر نهادها انتقاد کنند، مسئولیتی نیز در قبال مصالح و منافع ملی و پاسخ به نیازهای جامعه دارند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۹). نظریه مسئولیت اجتماعی تلاش می‌کند میان آزادی فرد و قدرت انتخابش و آزادی رسانه‌ها و البته مسئولیتی که رسانه در قبال جامعه دارد، جمع نماید. «بایدهای حاکم در این نظریه را می‌توان این‌گونه برشمرد: پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از سوی رسانه‌ها؛ وابستگی به ارزش‌هایی چون صداقت، دقت، عینیت و بی‌طرفی در حد استانداردهای بالای حرفه‌ای؛ تعهد در برابر وظایف اجتماعی، قبل از تعهد در مقابل مالکان رسانه یا خواست گیرندگان پیام؛ کثرت‌گرا و منعکس‌کننده گرایش‌های مختلف اجتماعی و جایگاهی برای طرح نظریات گوناگون؛ مشروع‌شمردن دخالت دولت برای پاسداری از اهداف عمومی؛ ایجاد سیستم‌های قانونی برای فعالیت‌های رسانه‌ای، تشکیل سندیکاها، حرفه‌ای و جلوگیری از انحصارطلبی رسانه‌ای؛ تشکیل گروه‌های تحقیقاتی برای ارائه گزارش‌های مستمر درباره رسانه‌ها و برقراری یارانه‌های حمایتی برای رسانه‌ها. نبایدهای مطرح در این نظریه نیز عبارتند از: حمله به اقلیت‌ها، تشویق جامعه به بی‌نظمی، خشونت و ...» (مک‌کوئیل، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در مجموع می‌توان گفت از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی، رسانه همواره در قبال تولید، توزیع و نشر اطلاعات و دیگر فعالیت‌های ارتباطی، نه‌تنها در مقابل سازمان و نظام مدیریتی حاکم بر آن پاسخگو است، بلکه باید در مقابل کلیه مراجعان، بهره‌مندان و ذی‌نفعان سازمان و نهایتاً مخاطبان نیز مسئولیت داشته و پاسخگو باشد.

آشنایی با قاعده فقهی لاضرر و حرمت ضرررساندن به دیگران

قاعده فقهی

کلمه قاعده در علوم گوناگون به کار رفته و به معنای ضابطه^۱ و امری کلی است که بر تمام جزئیات و مصادیقش تطبیق می‌شود (طریحی، ۱۳۹۵: ۵، ج ۳: ۱۳۱). در تعریف قاعده فقهی نیز اولین فقیهی که به تعریف آن مبادرت ورزیده، فخرالمحققین حلی است

۱. لازم به ذکر است که «در برخی کتاب‌های نگاشته‌شده در قواعد فقهی، هنگام بحث از قاعده فقهی از عنوانی دیگر با نام ضابطه فقهی نام برده شده است. برخی در تفاوت دو عنوان یادشده گفته‌اند قاعده فقهی از نظر گستره اعم از ضابطه فقهی است؛ بدین معنا که ضابطه فقهی اختصاص به یک باب - مثلاً طهارت - دارد؛ اما قاعده فقهی، ابواب متعدد را پوشش می‌دهد (مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۲۸).



که بیان می‌کند: «قواعد، جمع قاعده بوده و به معنای یک امر کلی است که بر همه مصادیق و جزئیاتش - هنگام شناخت احکامشان - تطبیق می‌گردد» (حلی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸). در میان گزاره‌های فقهی، آموزه‌ها و اصولی زیربنایی و دارای شمول وجود دارند که غالباً با الفاظ کلی و عمومی بیان شده‌اند. قاعده فقهی به دلیل شمولی که دارد، از مسأله فقهی متمایز می‌شود. قاعده فقهی می‌تواند طیف وسیعی از موضوعات فقهی را دربر گرفته و «موضوع قاعده فقهی، وسیع تر از موضوع مسأله فقهی است؛ بدین صورت که مسائل متعدد فقهی، زیرمجموعه قاعده فقهی است و می‌توان قاعده را بر جمیع مسائل تطبیق نمود» (ر.ک. بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴ و ۵). ویژگی دیگر قاعده فقهی این است که «مقلد نیز (مستقیماً) می‌تواند از آن استفاده کند و تطبیق آن به عهده مقلد است و فقیه می‌تواند طبق مضمون آن فتوی بدهد» (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۴: ۲۱۰). از سوی دیگر قواعد فقهی یکی از منابع استنباط در مسائل مستحدثه و جدید است که در حوزه مسائلی مانند امنیت و رسانه بسیار مفید خواهد بود. با توجه به ویژگی‌های خاص و توانمندی‌های قاعده فقهی در قابلیت تطبیق با مسائل مستحدثه، مراجعه شخص مکلف به آن و اینکه می‌تواند حکم مسائل جزئی را تعیین کرده و از طرفی شمول و فراگیری هم دارد، می‌تواند چارچوب نظری خوبی را در تبیین موضوع شکل دهد.

قاعده فقهی لاضرر

«قاعده لاضرر، یکی از مشهورترین و پرکاربردترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مورد استفاده قرار می‌گیرد» (قانع، ۱۳۹۷: ۲۱) و مبانی بسیار خوبی در آیات و روایات دارد. مباحث فراوانی در حوزه دلالت و ادله قاعده لاضرر و حوزه نفوذ آن میان فقها مطرح است و معنای اصلی قاعده که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می‌کند، قابل بهره‌برداری در حوزه مسائل امنیت و رسانه نیز می‌باشد. با استناد به این قاعده می‌توان گفت هرگونه بهره‌مندی از رسانه که امنیت دیگران را به مخاطره بیندازد، منع شده است. بسیاری از مسائل و احکام رسانه را می‌توان در قالب قاعده لاضرر بررسی کرد.

«طبق این قاعده هرگونه حکم شرعی که زبان‌آفرین باشد، تشریح نشده است^۱ و شارع مقدس در اسلام این قوانین را وضع نکرده که منشأ واردکردن ضرر به دیگران یا خود مکلف شود. برای نمونه انسان، مالک اموال مشروع خود است و می‌تواند در آن‌ها به نحو

۱. با این تعبیر می‌توان گفت با لسان نفی موضوع، نفی حکم شده است (به عنوان نمونه ر.ک.: کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵:

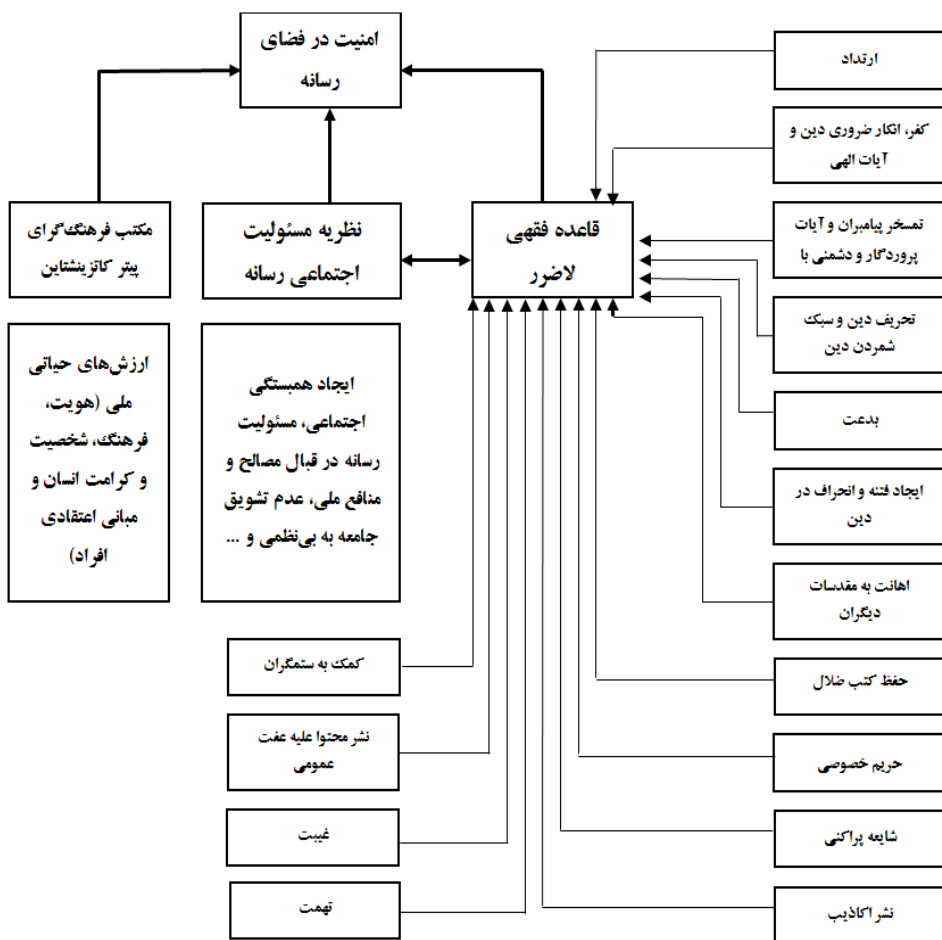
دلخواه تصرف کند، لیکن اگر تصرف او به گونه‌ای باشد که برای خود شخص یا دیگری زیان آور باشد، مشمول این قاعده می‌شود و نمی‌تواند به این تصرف دست یازد» (حسینی، ۱۳۹۶: ۸۹). اسلام هیچ گونه قانونی را که منشأ وارد کردن ضرر به دیگران یا به خود باشد، وضع نکرده است. با توجه به حدیث معروف سمره بن جندب - که یکی از مهم‌ترین دلایل روایی قاعده لاضرر است - زیان به یک شخص سبب شد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سمره اجازه ندهد در درخت خود تصرف کند (حرعاملی، ۱۳۹۱ ه.ق، ج ۱۷: ۲۴۱). با توجه به قضیه سمره بن جندب، ضرری که سمره ایجاد می‌کرد، عدم امنیت در روابط اجتماعی بود و هرگز ضرر شخص مطرح نبود، بلکه امنیت خانواده را به چالش می‌کشید که یک ضرر جمعی بود (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مانع ادامه این اضرار شدند.

براساس آنچه از چارچوب سه‌ضلعی این پژوهش حاصل می‌شود، اولاً امنیت در مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین، برگردانی از ارزش حیاتی ملی در اعتقادات جامعه، حفظ هویت، شخصیت و کرامت انسان است که نباید در معرض تهدید باشد؛ ثانیاً نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه، بر رعایت منافع و مصالح مخاطبین تأکید داشته و ثالثاً، قاعده فقهی لاضرر مانع مشروعیت‌بخشی به اقداماتی است که عامل ضرر به دیگران باشد. حال باید بررسی نمود که فقه امامیه چگونه و در چه ابوابی به ترسیم حدود فعالیت رسانه‌ای اقدام نموده تا امنیت فرد و جامعه حفظ شده و در نتیجه فعالیت رسانه‌ای، ضرری متوجه دیگران نشود؟

مدل مفهومی پژوهش

نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه بر مواردی تأکید دارد؛ از جمله اینکه رسانه نباید همبستگی اجتماعی را به هم بزند، مسئولیت اجتماعی رسانه در قبال مصالح و منافع دیگران مهم است، رسانه نباید عامل تشویق جامعه به بی‌نظمی باشد و ... مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین هم بر ارزش‌های حیاتی ملی، هویت، فرهنگ، شخصیت و کرامت انسان، مبانی اعتقادی افراد و ... تأکید می‌کند. این موارد و شاخص‌ها می‌توانند در نفی ضرر با قاعده فقهی لاضرر همسو باشند. به علاوه همان‌طور که توضیح داده می‌شود، هر سه مورد می‌توانند به امنیت در فضای رسانه کمک کنند. به علاوه عناوین فقهی مرتبط با نیاپدهای رسانه نیز به کمک قاعده لاضرر، در تأمین امنیت رسانه نقش دارند.





شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مباحث فقهی مرتبط با فعالیت رسانه‌ای

ارتداد

«ارتداد به معنای برگشتن از دین است. ارتداد از نظر فقهی بر دو قسم است: ارتداد فطری و ارتداد ملی. مرتد فطری کسی است که از پدر و مادرش مسلمان متولد شده اما از اسلام برمی‌گردد و مرتد ملی کسی را گویند که از ابتدا مسلمان نبوده، سپس مسلمان شده و بعد دوباره از مسلمانی برمی‌گردد» (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق: ج ۴۱: ۶۱۲ و ۶۰۵). اما یکی از مباحث مهم و مرتبط با این پژوهش، معیارها و ملاک‌های ارتداد است. «مرتد کسی است

که یکی از ضروریات دین را به یکی از این سه صورت انکار کند؛ از روی عناد و لجبازی، از روی اعتقاد یا از باب تمسخر و ریشخند» (عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۹: ۳۳۴).

آنچه در حوزه امنیت و رسانه در مورد ارتداد قابل تأمل است، این است که رسانه نباید امنیت اعتقادی جامعه را با انکار ضروریات اعتقادی یا تمسخر آن‌ها مخدوش نماید. گستره تأثیر ارتداد به دلیل تأثیری که رسانه بر مخاطبینش دارد، امنیت فکری و اعتقادی و در نهایت هویت یک جامعه منسجم را به چالش می‌کشد و آن‌را به مخاطره می‌اندازد؛ چنانکه «در صدر اسلام نیز برخی از یهودیان که قصد تضعیف ایمان مسلمانان را داشتند، برای آنکه بی‌ارزش بودن احکام و اعتقادات اسلامی را القا کرده و مسلمانان را دچار تزلزل فکری و روحی کنند، ایمان آورده و در اندک زمانی دوباره به اعتقادات یهود برمی‌گشتند» (جعفریان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۶۹). می‌توان گفت احکام شدیدی که علیه مرتد در نظر گرفته شده است حاکی از تأثیر بسیار نامطلوب ارتداد بر ایمان سایرین می‌باشد.

یکی از آیاتی که در موضوع ارتداد بدان تمسک می‌شود، این آیه شریفه است که «کسی که از آیینش برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او در دنیا و آخرت، برباد می‌رود و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود» (بقره، ۲۱۷).

ارتداد، با لحاظ نمودن تعاریفی که از امنیت مطرح شد، ایمنی ارزش‌های اساسی جامعه را به هم‌ریخته و در بُعد عینی، تهدیدی نسبت به ارزش‌ها و اهداف بوده و در جهت ذهنی، عامل ایجاد ترس از این است که بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم واقع شوند. پس این موارد طبق قاعده فقهی لاضرر، چون عامل برهم‌زدن امنیت می‌شوند، ممنوع و غیرمشروع بوده و رسانه اجازه نشر مطالب در این حوزه را ندارد. از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه نیز، رسانه‌ای که عامل نشر مطالبی باشد که مصداق ارتداد است، عامل به هم‌خوردن همبستگی اجتماعی شده و به دلیل مسئولیتی که در قبال مصالح افراد دارد، مجاز به نشر چنین مطالبی نیست. در مکتب فرهنگ‌گرای کاتزینشتاین، ارزش‌های حیاتی ملی و مبانی اعتقادی افراد محترم هستند و نباید خدشه‌دار شوند.

کفر، انکار ضروری دین و آیات الهی

یکی از مواردی که مغل امنیت در جامعه اسلامی است، ترویج کافر شدن به خدا، انکار ملائکه، کتب و رسل الهی، انکار قیامت و انکار ضروری دین است؛ «کسی که خدا و فرشتگان او، کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی

۱. «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.



افتاده است^۱» (نساء، ۱۳۶). تکذیب آیات الهی نیز از دیگر مواردی است که رسانه‌ها از اقدام به آن منع شده‌اند؛ «و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اصحاب دوزخند و جاودانه در دوزخ می‌مانند و (سرانجام آن‌ها) سرانجام بدی است^۲» (تغابن، ۱۰).

کفر، انکار ضروری دین و انکار آیات الهی، مخلّ امنیت جامعه است و ایمنی ارزش‌های اساسی جامعه را مختل می‌کند. تضاد این موارد با امنیت در تعریف منتخب این پژوهش آشکار بوده و به دلیل ضرری که برای امنیت دیگران دارد، قاعده فقهی لاضرر اجازه پخش چنین مطالبی را در رسانه نمی‌دهد. به علاوه عامل برهم خوردن همبستگی اجتماعی شده و از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی نیز مردود است. در تطبیق این موارد با مکتب فرهنگ گرای کاتزینشتاین، به دلیل تضاد این امور با مبانی اعتقادی افراد، پرهیز رسانه از آن‌ها ضروری است.

تمسخر پیامبران و آیات پروردگار و دشمنی با رسول خدا

از محدوده‌هایی که با تعدی به اعتقادات، حریم امنیت جامعه را مخدوش می‌کند، تمسخر پیامبران الهی و آیات پروردگار متعال است. «کیفرشان دوزخ است به خاطر آنکه کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به سخره گرفتند^۳» (کهف، ۱۰۶).

دشمنی و مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از دیگر نهی‌های وارده در حوزه رسانه و کار مطبوعاتی است. «آیا نمی‌دانند هر کس با خدا و رسولش مخالفت کند، برای او آتش دوزخ است؟ جاودانه در آن می‌ماند. این همان رسوایی بزرگ است^۴» (توبه، ۶۳).

البته تهمت زدن به وجود شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که ریشه در دشمنی با ایشان داشته، از دیگر موارد مورد نهی قرآن است. این اتهامات در آیات دیگری مانند شاعر (انبیاء، ۵)؛ جادوگر (ص، ۴)؛ کاهن (حاقه، ۴۲-۴۰)؛ نادان (اعراف، ۶۷)؛ دروغگو (فرقان، ۴) و ... در قرآن مجید ذکر شده‌اند.

بر اساس نگاه فرهنگی به امنیت، شخصیت و هویت افراد نباید مورد تهدید واقع گردد و تمسخر پیامبران و آیات الهی، از مصادیق برهم زدن امنیت است؛ چرا که هر پیامبر، به نوعی نماینده هویت دین خود است. تمسخر پیامبر، برهم زنده هویت دینی جامعه است و ضربه‌ای به امنیت جامعه محسوب می‌گردد. به علاوه متناسب با نوع و میزان تمسخر پیامبر،

۱. وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

۲. وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۳. ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوعًا

۴. أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنْ يُحَادِدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَأَنْ لَهُ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

این روند می‌تواند مقدمه ناامنی اجتماعی نیز باشد. بنابر محتوای قاعده لاضرر به لحاظ فقهی، پرداختن رسانه به آنچه که به ضرر جامعه است، غیرمشروع بوده و رسانه نمی‌تواند به درج مطالبی با محتوای تمسخر پیامبر و آیات پروردگار بپردازد. چنین محتوایی به دلیل تشویق جامعه به بی‌نظمی، برخلاف نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه است. از نگاه مکتب کاترینشتاین هم مصداق برهم خوردن مبانی اعتقادی افراد بوده و شخصیت و کرامت پیامبر را مخدوش می‌نماید؛ لذا رسانه نمی‌تواند محمل چنین محتوایی باشد.

تحریف و سبک‌شمردن دین

یکی از دیگر پرهیزهایی که فقه در مورد رسانه دارد و آن را به‌عنوان یک خط قرمز که تهدیدکننده امنیت است مطرح می‌نماید، تحریف دین است؛ «آیا انتظار دارید به (آیین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند درحالی که علم و اطلاع داشتند» (بقره، ۷۵).

بدگویی و طعنه زدن به دین نیز به این ترتیب نکوهش شده است؛ «و اگر پیمان‌های خود را بعد از عهد خویش بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چراکه آن‌ها پیمانی ندارند، شاید (با شدت عمل) دست بردارند» (توبه، ۱۲). حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم که می‌فرمودند من بر شما از استخفاف و سبک‌شمردن دین می‌ترسم» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۲).

تحریف و سبک‌شمردن دین در عرصه رسانه، تهدید نسبت به ارزش‌های اصیل بوده و می‌تواند مقدمه معرفی یک دین خودساخته باشد از این‌رو، مخل امنیت دیگران بوده و توسط قاعده فقهی لاضرر، نفی می‌گردد. از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی نیز، مسئولیت رسانه در قبال مصالح و منافع افراد اقتضا می‌کند که به یک دین صحیح و تحریف‌نشده دسترسی داشته باشند. بنابر مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین نیز تحریف دین، باعث برهم‌زدن مبانی اعتقادی جامعه شده و مورد تأیید نیست.

بدعت

بدعت نوعی نوآوری در دین است درحالی که آن امر در دین وجود نداشته و فرد بدعت گزار تلاش می‌کند آن را شرعی وانمود کند. بدعت، راه خطایی است که به دلیل ظاهری دینی، باعث گمراهی دیگران می‌شود. آنچه امروزه در عملکرد فرقه‌های منحرف و منتسب

۱. اَقْتَضَعُونَ اَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ يَحْرِفُوْنَ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ
 ۲. وَ اِنْ نَكَلْتُمُوْا اِيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ فَقَاتِلُوْا اِنَّهُمْ اَلْكٰفِرِيْنَ اِنَّهُمْ لَا اِيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ



به دین دیده می‌شود، می‌تواند نوعی بدعت محسوب گردد. ساختارهای تحلیلی و اطلاع رسانی که به اعتبار کارکردهای رسانه تأثیرگذاری ویژه‌ای دارند، از زمینه‌های خدشه در اعتقادات صحیح هستند. توصیه‌های بزرگان دین نیز حاکی از ضرورت پرهیز از بدعت است. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «هر بدعتی، گمراهی و هر گمراهی در آتش است» (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۱: ۶۵). «هیچ بدعتی ایجاد نمی‌شود مگر آنکه سنت (حسنه ای) را استحاله کرده و آن سنت ترک می‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۵).

آیه شریفه قرآن تصریح می‌فرماید: «آیا دینی جز دین خدا می‌جویند و حال آنکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خواه - ناخواه تسلیم فرمان اوست و به نزد او برگردانده می‌شوند» (آل‌عمران، ۸۳).

یکی از مواردی که می‌تواند ذیل ساختن دین جدید قابل بررسی باشد، پذیرفتن بخشی از دین و کنار گذاشتن بخشی دیگر است که نوعی التقاط است؛ «کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند و می‌گویند به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان این دو راهی برای خود انتخاب کنند، آن‌ها کافران حقیقی‌اند و برای کافران مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم» (نساء، ۱۵۱-۱۵۰).

ایجاد فتنه و انحراف در دین

«فتنه معانی مختلفی دارد. مواردی مانند آزمایش، فریبندگی، اغوا و وسوسه، دسیسه، شورش و آشوب و ...» (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۴۹۶). قرآن در این مورد می‌فرماید: «و در میان آن‌ها (اهل کتاب)، طبق آنچه خداوند نازل کرده است، داروی کن و از هوس‌های آنان پیروی نکن و از آن‌ها برحذر باش؛ مبادا تو را از بعضی از احکامی که خدا بر تو نازل کرده است، منحرف سازند»^۱ (مائده، ۴۹).

بدعت، فتنه و ایجاد انحراف در دین نیز مانند تحریف دین، تهدید نسبت به ارزش‌های اصیل بوده و می‌تواند مقدمه معرفی یک دین خودساخته باشد از این رو، با امنیت دیگران ناسازگار بوده و مورد مخالفت جدی قاعده فقهی لاضرر قرار می‌گیرد و با توجه به سایر

۱. أَفَعَبَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

۲. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

۳. وَ أَنْ أَحْكَمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ

مبانی مذکور در فقه امامیه، حرمت پرداختن به این موارد مسجل است. از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی نیز مسئولیت رسانه در قبال مصالح و منافع افراد اقتضا می‌کند که به دین اصیل و تحریف‌نشده دسترسی داشته باشند. بنابر مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین نیز بدعت و فتنه باعث برهم‌زدن مبانی اعتقادی جامعه شده و مورد تأیید نیست.

اهانت به مقدسات دیگران

قرآن می‌فرماید: «و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، ناسزا نگویند که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می‌گویند» (انعام، ۱۰۸).

امام صادق (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به اصحاب‌شان فرمودند: «بپرهیزید از اینکه به دشمنان خدا دشنام دهید، در جایی که سخن شما را می‌شنوند. مبدا آن‌ها از روی دشمنی و نادانی، به خدا دشنام دهند. برای شما شایسته است که بدانید حد سب و دشنام دادن آن‌ها به خدا چگونه است؛ زیرا هر که به اولیای خدا دشنام دهد، به خدا دشنام داده است و چه کسی نزد خدا ستمگرتر است از کسی که موجب دشنام به خدا و اولیای خدا شود؟» (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۱۵، ۷).

با توجه به ضرورت مسائل معاصر جهان اسلام از جمله حوزه حفظ وحدت میان مذاهب اسلامی، مفهوم پرهیز از توهین به مقدسات، توسعه کمی و کیفی ویژه‌ای پیدا کرده و به‌وضوح وارد فتاوی فقهای معاصر شده و فقهای شیعه برای حفظ مصالحی مهم‌تر، اقدام به صدور فتوی برای جلوگیری از توهین به مقدسات اهل سنت می‌نمایند. به‌عنوان نمونه فتوای آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص قابل توجه است که «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر - عایشه - حرام است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۱۰).

در جامعه‌ای که چند دین و مذهب حضور دارد، اهانت به مقدسات دیگران، بحران امنیتی در ابعاد ذهنی و عینی ایجاد کرده و می‌تواند امنیت اجتماعی را نیز مختل نماید. از این‌رو، اهانت به مقدسات دیگران مورد نهی فقه امامیه و همچنین قاعده لاضرر بوده و رسانه‌ها اجازه نشر مطالب در این مورد را ندارند. بر مبنای نظریه مسئولیت اجتماعی، اهانت به مقدسات دیگران، مخل همبستگی اجتماعی بوده و باعث تشویق جامعه به بی‌نظمی می‌گردد و مورد تأیید این نظریه نیست. از طرف دیگر در مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین هم نباید ارزش‌های فرهنگی و مبانی اعتقادی افراد را مورد هجمه قرار داد.



حفظ کتب ضلال

یکی از مباحث فقهی مرتبط با رسانه، بحث کتب ضاله است. به نظر می‌رسد شیخ مفید از اولین فقهای باشد که از عدم حلیت کتب کفر و ضلال بحث کرده و معتقد است: «کتب کفر و نگهداری آن‌ها جایز نیست و کاسبی از راه کتاب‌های ضلال و نگارش آن‌ها حرام است، مگر برای نقض و ...» (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ه.ق، ۵۸۸). البته در دوره‌های بعد نیز بزرگانی مانند شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول و ثانی، محمدحسن نجفی و بسیاری از دیگر فقها نیز از حرمت حفظ، نگهداری، نسخ، استنساخ و معامله کتب ضاله سخن می‌گویند و بدون در نظر گرفتن میزان و دامنه بحث هر یک، همگی در نتیجه حکم، اتفاق نظر دارند (قانع، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۲). در میان فقهای معاصر نیز مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی، مرحوم سیداحمد خوانساری، مرحوم میرزا فتاح شهیدی تبریزی، مرحوم امام خمینی و مرحوم آیت‌الله گلپایگانی متأخرانی هستند که همگی به حرمت حفظ، خرید و فروش و کتابت و استنساخ کتب ضاله اعتقاد داشته و فتوی داده‌اند (قانع، ۱۳۹۱: ۲۶).

اما در مورد معنای حفظ، شیخ انصاری معتقد است: «مراد از این حفظ که حرام می‌باشد معنای اعمی است که شامل به‌حافظه‌سپردن، نسخه‌برداری، بحث و گفت‌وگو و هر کاری است که به‌نوعی در باقی‌ماندن مطالب گمراه‌کننده نقش دارد» (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ۲۳۸). در این تعریف اگر چه به «نگهداری» یا «جلوگیری از تلف شدن» اشاره نمی‌شود ولی مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: «مراد، نگه‌داشتن کتاب از نابودی یا به‌حافظه‌سپردن مطالب می‌باشد. بلکه مطالعه و تدریس این‌گونه کتب نیز حرام است» (نجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۲۲، ۵۶).

در مجموع مرحوم شیخ انصاری با مقبول دانستن ادله اربعه در حرمت حفظ کتب ضاله، با توجه به «آیه ۶ سوره لقمان^۱» و «آیه ۳۰ سوره حج^۲» و روایات، به عدم خلاف و حکم عقل نیز در این مورد می‌پردازد (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ۲۳۸-۲۳۳).

همان‌طور که در تعاریف امنیت نیز تأیید شد، یکی از معیارهای مهم امنیت، حفظ ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. این توجه به ارزش‌ها در تعریف امنیت، نقطه آغازین ارتباط دین با ابعاد ذهنی و روانی امنیت است. پیام‌گمراه‌کننده (ضلال)، نیز ایمنی ارزش‌های اساسی مورد قبول جامعه را مخدوش می‌نماید. پخش «پیام

۱. وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

۲. وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

گمراه‌کننده» از نگاه فقه امامیه ممنوع است و به اعتبار ضرری که به فرد و جامعه وارد می‌کند، مورد تأیید قاعده لاضرر نمی‌باشد. پخش پیام گمراه‌کننده، در نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه و مکتب فرهنگ‌گرایی کاترینشتاین هم مردود است؛ چراکه نوعی بی‌مسئولیتی در قبال مصالح فرد و جامعه بوده و مبانی اعتقادی افراد را مخدوش می‌نماید.

حریم خصوصی

اگر چه در فقه باب مستقلی در مورد «حریم خصوصی» ذکر نشده؛ ولی مسائل مطروحه در حریم خصوصی، با مبانی متعدد و محکمی قابل دفاع است. آیاتی از قرآن، روایات، عقل و برخی قواعد فقهی، دلالت بر ضرورت و وجوب رعایت حریم شخصی دیگران و حرمت نقض آن دارد. احکام مرتبط با حریم خصوصی از مباحثی مانند ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوءظن، نیمه و غیبت، سب، هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظائر قابل استنباط است. اجتناب از ورود رسانه به حریم خصوصی افراد، از مواردی است که رعایت آن ضمانتی بر حفظ امنیت انسان است.

یکی از آیات قابل استناد در این مورد این آیه است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید!» (حجرات، آیه ۱۲). همچنین حضرت علی^(ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند: «باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیب مردمان است، همانا در مردم لغزش‌هایی است که حاکم از هر کس دیگر به پوشانیدن آن سزاوارتر است. پس در جست‌وجوی امور پنهان مباش، وظیفه تو پاک‌کردن ظواهر است و این پروردگار است که بر آنچه از تو پنهان است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند»^۳ (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

پرداختن به حریم خصوصی دیگران در رسانه، یکی از منتهیات فقه امامیه است که آسیب آن در حوزه امنیت روانی، فرهنگی و اجتماعی بسیار زیاد است و به همین دلیل، قاعده فقهی لاضرر با آن مخالف است. در نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه نیز، کاری که ریشه در بی‌مسئولیتی نسبت به مصالح و منافع دیگران دارد، مورد تأیید نیست و بازگرددن بخش‌های

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا

۱. وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرَهَا، فَلَا تُكْشِفُنَّ عَمَّا غَابَ عَنكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَىٰ مَا غَابَ عَنكَ



خصوصی زندگی افراد در فضای رسانه، نوعی بی‌مسئولیتی در قبال منافع آن‌ها است. از آنجا که پرداختن به حریم شخصی دیگران در رسانه، شخصیت و کرامت فرد را مخدوش می‌نماید، در مکتب فرهنگ‌گرای پیتز کاتزینشتاین هم مردود است.

شایعه‌پراکنی

شایعه، خبر بی‌اساسی است که گوینده، آن‌را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند یا هر موضوع دلخواه - فردی یا اجتماعی - در جامعه نشر می‌دهد. همچنین هر گزارش تأییدنشده یا شرح یک حادثه که آزادانه - بدون توجه به راستی و نادرستی آن - دهان‌به‌دهان می‌گردد را شایعه گویند (نرمان، ۱۳۸۷: ۶۴۹). در آیات قرآن نیز، شایعه‌پراکنی مورد نکوهش جدی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه قرآن کریم در آیه ذیل، شایعه‌سازان را مستحق عذاب الیم دانسته و می‌فرماید: «آنان که دوست دارند در جامعه اسلامی، کار منکری را اشاعه (شهرت) دهند، در دنیا و آخرت به عذاب دردناک دچار خواهند شد و خدا از عاقبت سخت آنان با خیر است و شما از آن خبر ندارید!» (نور، ۱۹).

ظاهر آیه این نکته را دربردارد که عذاب الیم مربوط به اشاعه فحشا است گرچه تعمیم آن‌را نمی‌توان از نظر دور داشت؛ زیرا تنقیح مناط حکم می‌کند در اشاعه سایر منکرات نیز این چنین باشد چون واژه فاحشه، اختصاص به فحشا ندارد بلکه به همه‌گونه ناروا و منکرات اطلاق می‌شود. همچنین در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب آمده است: «اگر منافقان و بیماردلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم؛ سپس جز مدت کوتاهی نمی‌تواند در کنار تو در این شهر بمانند! آنان لعنت‌شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند»^۲ (احزاب، ۶۰ و ۶۱).

«از لحن آیه چنین استفاده می‌شود که سه گروه در مدینه مشغول خراب‌کاری بودند، هر کدام به نحوی اغراض شوم خود را پیاده می‌کردند و این به‌صورت یک برنامه و جریان درآمده بود و جنبه شخصی و فردی نداشت. گروه اول منافقین بودند که با توطئه‌های ضداسلامی برای براندازی اسلام می‌کوشیدند، گروه دوم بیماردلان و گروه سوم کسانی بودند که با پخش شایعات در مدینه - به‌ویژه زمانی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ارتش اسلام به غزوات می‌رفتند - به تضعیف روحیه بازماندگان می‌پرداختند و خبرهای دروغین

۲. إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۱. لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ. إِنْ يَمَا تُفْقُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا نَفِيلًا



از شکست پیامبر و مؤمنین می‌دادند و به گفته بعضی از مفسران این گروه، همان یهود بودند. به این ترتیب قرآن هر سه گروه را شدیداً تهدید کرده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ۴۳۰).

پخش شایعه در فضای رسانه، سرعت انتقال و تعداد مخاطبین شایعه را به شدت افزایش داده و متناسب با محتوای شایعه، امنیت فردی، فرهنگی یا سیاسی را مختل می‌نماید و موجب اضرار به افراد یا ساختارهایی است که شایعه علیه آن‌ها طراحی و پخش شده است. با لحاظ این آسیب، شایعه از نگاه فقه و قاعده لاضرر، نامشروع است و نباید در فضای رسانه مطرح شود. از نگاه مکتب کاترینشتاین نیز شایعه به شخصیت و کرامت افراد آسیب می‌زند و نباید به آن پرداخت. از آنجا که شایعه، مصالح و منافع افراد را مخدوش می‌نماید، مورد تأیید نظریه مسئولیت اجتماعی هم نیست.

نشر اکاذیب

کذب در لغت به معنای خبردادن از چیزی خلاف آنچه که هست، می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۷۰۴). مرحوم شیخ انصاری در بحث از حرمت دروغ، دلیل قرآن، روایت، اجماع و عقل را صحیح دانسته و آن را از گناهان کبیره می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۲، ۱۱). کذب در قرآن از مصادیق ظلم دانسته شده که بالاترین نوع آن هم، نسبت دروغ دادن به خداوند متعال است (زمر، ۳۲). یکی از روایاتی که مورد تمسک فقها در اثبات حرمت دروغ است، این تعبیر امام حسن عسکری^(علیه السلام) است که فرمودند: «(اگر) همه بدی‌ها و خباثت در یک خانه قرار داده شوند، کلید آن خانه دروغ گفتن است (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۲، ۱۲). دروغ، آثار فردی و اجتماعی بسیار منفی دارد. در بعد فردی می‌تواند منجر به نفاق گردد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «سرانجام به‌دنبال آنکه با خدا در آنچه پیمان بسته بودند، خلف وعده کردند و بدان سبب که دروغ می‌گفتند، (خداوند، روح) نفاق را تا روزی که به دیدار او رسند، (روز مرگ یا قیامت)، در دل‌های آنان قرار داد» (توبه، ۷۷). در بُعد اجتماعی نیز، دروغ عامل برهم زدن امنیت افراد است و مخاطرات بسیاری را ایجاد می‌نماید.

تکثیر دروغ در جامعه و در فضای رسانه، باعث سلب اعتماد شده و زمینه‌ساز احساس ناامنی است. با سلب اعتماد افراد از یکدیگر یا از نهادها و سازمان‌ها، امنیت روانی افراد دچار اختلال می‌گردد و آرامش و سلامت روان، مخدوش می‌شود. علاوه بر بسیاری از ادله مرتبط با حرمت کذب، قاعده لاضرر نیز به دلیل آسیب‌هایی که کذب دارد، با آن مخالف



است و حکم حرمت کذب در فقه، قطعی می‌باشد. کذب، همبستگی اجتماعی را به هم زده و دلیلی بر عدم مسئولیت در قبال مصالح دیگران است و نمی‌تواند مورد تأیید نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه باشد. نظریه کاتزینشتاین هم به دلیل تضاد کذب با کرامت انسان، با آن مخالف است.

تهمت

تُهْمَت در لغت به معنای گمانِ بدکردن و گمانِ بدبردن است و معادل بهتان به معنای نسبت دروغ و کذب دادن به کسی، اسناد خیانت و هر چیز ناحق و برخلاف واقع است. (طریحی، ۱۳۹۵ ه.ق، ج ۵، ۲۵۳). تهمت به این معنا است که چیزی به دروغ به دیگری نسبت داده شود و شخصی که مرتکب گناه و عمل زشتی نشده به انجام آن متهم یا عیب و نقصی را که در او نیست به او نسبت داده شود. بهتان در برخی ابواب فقهی مانند اجتهاد و تقلید، صلاه، صوم، تجارت، قضاء، شهادت، حدود و تعزیرات به مناسبت موضوع مطرح بوده است، جرم افترا در قانون مجازات اسلامی این‌طور تشریح شده است: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی، به وسیله درج در روزنامه و جراید، نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۹۷ و ۶۹۸).

تهمت زدن از دیدگاه فقه امامیه حرام بوده و در صورت انتشار در رسانه، امنیت فردی و روانی افراد را به صورت مضاعف برهم می‌زند. تهمت به دلیل ضرری که برای فرد و جامعه دارد، توسط قاعده لاضرر امری نامشروع دانسته می‌شود. از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی، تهمت باعث برهم خوردن همبستگی اجتماعی شده و با مسئولیت‌پذیری در قبال منافع دیگران در تضاد است. به دلیل مخدوش شدن شخصیت و کرامت افراد در جریان تهمت زدن در فضای رسانه، این کار مورد تأیید مکتب کاتزینشتاین نیز نمی‌باشد.

غیبت

یکی از مباحث مطرح در مکاسب محرمه که می‌تواند در حوزه امنیت در رسانه نیز کاربرد داشته باشد، غیبت است. غیبت عبارت است از عیب‌گویی از کسی در غیاب او به قصد نکوهش و سرزنش. مقصود از عیب‌گویی اعم از بیان عیب به زبان، اشاره، کنایه، نوشتن و دیگر شیوه‌های انتقال مفاهیم است. در عیب نیز تفاوتی میان تعلق آن به بدن، نسب، اخلاق، رفتار، گفتار، دین، دنیا، بلکه لباس، خانه و مانند آن‌ها نیست (نجفی، ۱۳۶۲،

ج ۲۲، ۶۴-۶۳). یکی از شروط تحقق غیبت، وجود عیب در غیبت‌شونده است و در صورت عدم وجود عیب، عیب‌گویی مصداق بهتان خواهد بود. همچنین بازگوکردن عیب آشکار، خواه برای عموم مردم مانند نابینایی و لنگی یا برای شنونده، در صورتی که قصد مذمت و نکوهش مطرح نباشد، غیبت به‌شمار نمی‌رود؛ اما اگر چنین عیبی به قصد سرزنش دارنده آن بازگو شود، از این حیث که اذیت مؤمن و اهانت به او می‌باشد حرام است؛ لیکن در اینکه مصداق غیبت به‌شمار می‌رود یا نه، اختلاف‌نظر وجود دارد (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ۳۳۱-۳۲۵).

در ادله اثبات حرمت غیبت، به آیاتی مانند آیه ۱۲ سوره حجرات^۱ و روایات و عقل و اجماع اشاره شده است. برخی از روایات مربوطه بدین شرحند: نقل شده که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اباذر غفاری می‌فرمایند: «برحذر باش از غیبت‌کردن، که غیبت از زنا شدیدتر است». ابوذر می‌پرسد: علت آن چیست؟ حضرت می‌فرمایند «برای اینکه مرد زنا می‌کند سپس توبه می‌نماید، خدا هم توبه او را می‌پذیرد، ولی غیبت‌کننده بخشیده نمی‌شود مگر اینکه غیبت‌شونده او را ببخشد» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۸، ۵۹۸). همچنین باز هم از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که فرمودند: «بهشت بر سه طایفه حرام است؛ بر کسی که متّ می‌گذارد، بر کسی که غیبت می‌کند و بر کسی که دائم خمر بنوشد یا هر زمان که دستش به آن رسد، کوتاهی در شرب نکند» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۸، ۶۰۰).

البته در بررسی غیبت باید موارد استثنا از حکم حرمت غیبت را نیز مدنظر داشت؛ مواردی مانند غیبت فاسق، غیبت برای نصیحت، دادخواهی، خیرخواهی و به قصد امر به معروف و نهی از منکر، غیبت برای مبارزه با بدعت و فتنه، رد گفتار باطل و موارد آشکاربودن عیب (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ۳۴۲-۳۵۸).

البته تحقق غیبت در فضای رسانه‌هایی که مخاطب عمومی دارند، قدری دشوار است چراکه شرط غایب‌بودن غیبت‌شونده، معمولاً محقق نمی‌شود ولی در شبکه‌های اجتماعی که افرادی محدود در یک گروه حضور دارند، تحقق عنوان غیبت میسر است. غیبت، از آنجاکه عیب مخفی افراد را علنی می‌کند، امنیت روانی غیبت‌شونده را مخدوش می‌نماید و موجب ضرر به دیگران بوده و مورد تأیید قاعده لاضرر نیست. غیبت، باعث سلب اعتماد افراد به یکدیگر شده و درنهایت به همبستگی اجتماعی نیز لطمه می‌زند و از دیدگاه نظریه

۱. «وَلَا يَغْتَابُ بَغْضًا أَيْحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» و بعضی از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آنرا ناپسند می‌دانید و از خدا پروا کنید، همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است» (حجرات، ۱۲).



مسئولیت اجتماعی نیز مردود است. از نگاه مکتب کاترینشتاین هم غیبت می‌تواند مخلف شخصیت و کرامت افراد باشد.

نشر محتوا علیه عفت عمومی

عفت در لغت، خودنگهداری و پدیدآمدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. طلب عفت و پاکدامنی و بازایستادن از حرام، استعفاف نام دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۳۹)؛ اما آنچه در معنای اصطلاحی عفت و در ملاحظات علم اخلاق ذکر شده، به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی که نقطه مقابل شهوت است، گفته می‌شود و باید قوه شهوت در خوردن و آمیزش جنسی، مطیع عقل باشد و از چیزی که عقل و شرع نهی کرده، اجتناب نماید و این حد اعتدال در شرع، ستوده شده است (حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ۳۱۰). در نتایج عفت به مواردی مانند شرم، پرهیز، شکیبایی، بخشندگی، قناعت، نرم‌خویی، نظم، پندپذیری، خوش‌رفتاری و وقار اشاره می‌شود (همان، ۳۱۱).

عفت، گستره وسیعی از عفت در فکر و تخیل، نگاه، معاشرت و کلام، زینت، پوشش، روابط جنسی و ... دارد. نوع فعالیت رسانه می‌تواند شامل بسیاری از حوزه‌های عفت باشد. رسانه نمی‌تواند عفت فکری مخاطب خود را مورد تهدید قرار دهد و ذهن او را درگیر آسیب کند^۱. رسانه مجاز به پخش تصاویری نیست که عفت بصری (مؤمنون، ۳۰ و ۳۱) مخاطب را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین عفت در معاشرت و کلام (بقره، ۸۳؛ حج، ۲۴ و انعام، ۱۰۸)، عفت در پوشش (احزاب، ۵۹) و در روابط جنسی (احزاب، ۳۲ و قصص، ۲۵) نیز نمی‌تواند از طرف رسانه مورد تهدید قرار بگیرد.

نشر محتوا علیه عفت عمومی از نظر فقه ممنوع است. همان‌طور که در تعریف امنیت ذکر شد یکی از معیارهای مهم امنیت، حفظ ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است و نشر محتوا علیه عفت عمومی، امنیت را در سطح فردی، خانوادگی و

۱. امام صادق(علیه‌السلام): حواریون بر گرد حضرت عیسی(علیه‌السلام) جمع شدند و به وی گفتند: ای آموزگار نیکی‌ها! ما را راهنمایی کن. حضرت عیسی(علیه‌السلام) به آنان فرمود: «موسی - کلیم خداوند - به شما دستور داد که سوگند دروغ به خداوند مخورید و من به شما فرمان می‌دهم که سوگند راست و دروغ به خداوند مخورید». گفتند: ای روح خدا! بیشتر راهنمایی کن. فرمود: «موسای پیامبر، به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم درباره آن، اندیشه [نیز] مکنید، چه رسد که زنا کنید؛ زیرا هر که در زنا اندیشه کند، مانند کسی است که در خانه آراسته [و زینت شده]، آتش روشن کند که اگر خانه را نسوزاند، دودش آراستگی خانه را تباه می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۵، ۵۴۲).

اجتماعی مخدوش می‌کند و به امنیت روانی و فرهنگی جامعه لطمه می‌زند. به اعتبار همین آسیب‌های امنیتی، نشر محتوا علیه عفت عمومی از نظر قاعده لاضرر، نامشروع است. در تحلیل نظریه مسئولیت اجتماعی هم نشر محتوا علیه عفت عمومی، نوعی بی‌مسئولیتی در قبال مصالح دیگران است. از نگاه مکتب فرهنگ‌گرای کاترینشتاین نیز این اقدام می‌تواند منجر به مخدوش شدن هویت و فرهنگ جامعه شود.

کمک به ستمگران

حرمت کمک به حاکمان ستمگر و همکاری با آنان، یکی از مباحث مهم در متون فقهی شیعه است که البته بیشتر در حوزه فقه سیاسی کاربرد پیدا کرده و شاید در نگاه اول، ارتباط مستقیم با رسانه‌های فعال در چارچوب ضوابط حکومت اسلامی پیدا نکند؛ اما از آنجا که برخی از فقهای معاصر، همکاری تبلیغی با ظلم را نیز مصداق کمک به ظالم دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۰)، این مسأله رویکرد رسانه‌ای نیز پیدا می‌کند. مضافاً اینکه قدرت‌های ظالم برای تثبیت قدرت خود، همواره بهره‌مندی ویژه‌ای از رسانه داشته‌اند.

اغلب فقهایی که به این موضوع پرداخته‌اند، آن‌را در کتاب مکاسب محرمه و با عنوان «معونَةُ الظالمین» موردنظر داشته‌اند. دو آیه مهم مورد استناد در این مورد نیز «مائده، ۱۲» و «هود، ۱۱۳» می‌باشند.

روایات بسیاری نیز در این مورد نقل شده است. در یکی از این موارد، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «کسی که به قصد کمک به ظالم حرکت کند، در حالی که می‌داند ظالم است، به تحقیق از اسلام خارج شده است» (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۷، ص ۱). به علاوه برخی از بزرگان مانند شیخ انصاری ادله چهارگانه را در حرمت کمک به ظالم، کامل دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق.، ج ۲، ۵۳) و از آنجا که عقل نیز بر زشت بودن کمک به ظالم دلالت می‌نماید، بسیاری از فقها نیز حرمت کمک به ظالم را مستظهر به حکم عقلی دانسته‌اند (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۹۲ و ۶۵۵).

تغییر افکار عمومی جامعه به نفع ستمگران، مهم‌ترین کمک رسانه به ستمگران است. با تغییر افکار عمومی جامعه در خلال اخبار و تحلیل‌ها، ستمگران منافع خود را به سهولت



در جوامع به دست آورده و امنیت ملی، سیاسی و فرهنگی مخدوش می‌گردد. در این صورت و با توجه به ضروری که کل جامعه را تهدید می‌کند، قاعده فقهی لاضرر مخالف کمک تبلیغاتی به ستمگران در فضای رسانه خواهد بود. این اقدام از نگاه نظریه مسئولیت اجتماعی نیز مردود است؛ چراکه مصالح و منافع ملی در آن رعایت نشده است. از طرف دیگر به دلیل نقض ارزش‌های حیاتی ملی، نظریه فرهنگی کاتزینشتاین هم از کمک به ستمگران در فضای رسانه حمایت نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی رویکرد فقه به امنیت در حوزه رسانه و چگونگی امنیت‌بخشی فقه در آن محیط، این پژوهش را سامان داده است. فقه با توجه به شرایط ویژه‌ای که در طراحی قوانین کشور داشته است، این توانایی را دارد که با طراحی حداقل ۱۵ محدوده و خط قرمز، نبایدهای مرتبط با حفظ امنیت در رسانه، امنیت فردی و اجتماعی مطلوبی را برای مخاطبین رسانه ایجاد نماید. این عناوین عبارتند از: ارتداد، کفر، انکار ضروری دین و آیات الهی، تمسخر پیامبران و آیات پروردگار و دشمنی با رسول خدا، تحریف و سبک‌شمردن دین، بدعت، ایجاد فتنه و انحراف در دین، اهانت به مقدسات دیگران، حفظ کتب ضلال، حریم خصوصی، شایعه‌پراکنی، نشر اکاذیب، تهمت، غیبت، نشر محتوا علیه عفت عمومی و کمک به ستمگران.

این موارد خطوط قرمز فعالیت رسانه‌ای را تعریف می‌کنند و با توجه به نگاه مکتب فرهنگ‌گرای کاتزینشتاین که جایگاه ویژه‌ای را برای فرهنگ و هویت ترسیم کرده - و از نگاه او، تهدید هویت ملی به‌عنوان هسته اصلی تهدیدات امنیت فرهنگی ملی، می‌تواند عاملی باشد که برای تضعیف مذهب، هویت و عرف ملی تلاش می‌کند - در نهایت در محیط امن فردی و جمعی است که قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول محقق می‌شود. در کنار اهمیت امنیت فرهنگی، باید نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه را نیز مدنظر داشت که رسانه را در قبال مخاطبین، پاسخگو می‌داند، بر حفظ همبستگی اجتماعی تأکید کرده و خواهان مسئولیت‌پذیری رسانه در قبال مصالح و منافع دیگران است. از طرف دیگر قاعده فقهی لاضرر نیز که در تمام ابواب فقهی کاربرد دارد، اجازه نمی‌دهد که استفاده از رسانه، باعث آسیب دیدن امنیت فردی و اجتماعی مخاطبین شود.

قاعده لاضرر با ملاحظه تعاریفی که از امنیت مطرح شد، ایمنی ارزش‌های اساسی جامعه را در حوزه رسانه حفظ کرده و مانع فعالیت‌های مخل امنیت در فضای رسانه در پانزده «نباید» فقهی مذکور است. از نگاه فقه و قاعده لاضرر، این پانزده مورد تهدیدی نسبت به ارزش‌ها، مصالح، منافع، شخصیت یا کرامت افراد بوده و می‌توانند مخل امنیت فردی، خانوادگی یا اجتماعی باشند. این موارد طبق قاعده فقهی لاضرر، چون عامل برهم‌زدن امنیت می‌شوند، ممنوع و غیرمشروع بوده و رسانه‌ها اجازه نشر محتوا در این حوزه‌ها را ندارند.

منابع

فارسی

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قابل دسترسی در: www.wiki.ahlolbait.com
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶.
- ابن منظور (۱۴۱۲ ه.ق)، لسان العرب، چاپ دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابولپور، معصومه (۱۳۹۴)، محدودیت‌های قانونی حاکم بر رسانه‌های نوشتاری (مطبوعات) در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، دانشکده حقوق.
- ابولی گوکی، طاهره (۱۳۸۹)، جرایم علیه امنیت ملی در فقه و حقوق اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- احمدی، امین (۱۳۹۳)، نشر اکاذیب در مطبوعات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- احمدی، سعید (۱۳۹۲)، بررسی مصادیق و مستثنیات غیبت در رسانه‌های ارتباط جمعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).
- اخوان‌کازمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، انتشارات کانون اندیشه جوان.
- افتخاری، اصغر؛ نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، ابعاد انتظامی امنیت ملی، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، معنا و مفهوم امنیت نرم در گفتمان اسلامی، درآمدی بر نظریه دفاع الهی، مجموعه مقالات امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، تهران، دانشکده امام هادی (علیه‌السلام).
- انبارلویی، کاظم (۱۳۸۱)، براندازی خاموش: نقدهای بی پاسخ، ج ۱، قم: انتشارات وثوق.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۶ جلد، چاپ اول، مصحح: گروه پژوهش در کنگره، تراث الشیخ الأعظم ۱۴، ۱۴۱۵ ه.ق.



ایران‌نژاد، ناهید (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی رسانه‌ها در قبال نقض حریم خصوصی شخصیت‌های عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.

بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۷.

بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۱)، نقش وسایل ارتباط جمعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: فرهنگ گفتمان.

جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، جلد اول: سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، قم: دلیل ما، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

حاج‌سیدجوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴.

حرعاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، با تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ چهارم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ه.ق.

حسینی، سیدعلی، قواعد فقهی فرهنگ و ارتباطات، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۶.

حلی، حسن‌بن‌یوسف‌بن‌مظهر، انوار الملکوت فی شرح الباقوت، چاپ دوم، قم: رضی و بیدار، ۱۳۶۳.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، رساله آموزشی ۲: احکام معاملات، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره) (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه (تقریر- ابی‌احث سماحه آیه‌الله‌العظمی- السید- ابوالقاسم الموسوی الخوئی (قدس سره))، به قلم محمدعلی التوحیدی التبریزی، ۵ جلد، قم: نشر داور، ۱۳۷۷.

دهقانی، علیرضا (۱۳۹۰)، امنیت فرهنگ اسلامی مبتنی بر آموزه‌های فقهی، مندرج در آقامهدوی، اصغر؛ قانع، احمدعلی، گفتارهایی در فقه سیاسی (حکومت، امنیت، فرهنگ)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۰، چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسن‌بن‌محمدبن‌مفضل، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، نقش وسایل ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع بزهکاری، تهران، وزارت کشور.

سلیمانی، ایران؛ راعی، مسعود؛ واعظی، سیدحسین (۱۳۹۵)، مبانی حق بر محیط زیست در فقه امامیه، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره نوزدهم، بهار، صص ۷۶-۱۰۰.

سیدرضی، محمد (گردآورنده)، نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول. یک جلد، ۱۴۱۴ ه.ق.

شهامی‌پور، مسعود (۱۳۸۱)، «تأثیر مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها»، مجله کتاب ماه کلیات، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۱۰۷-۱۰۴.

شیخ‌مفید، محمدبن‌محمدبن‌نعمان، المفتحه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ه.ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ دوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ ه.ق.

عاملی، ابوعبدالله‌شمس‌الدین‌محمدبن‌جمال‌الدین‌مکی (شهید اول) (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، قم: مکتبه داور.



- عامی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر کلانتر، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۰ جلد، ۱۴۱۰ ه.ق.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، ویراستار: منیره آذری، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- عله‌ازغندی، مهدیه (۱۳۹۵)، توهین به مقدسات در حوزه مطبوعات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده حقوق.
- علیزاده جابری، مریم (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی اخلاقی دروغ در رسانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- فراهیدی، خلیل‌ابن‌احمد (۱۴۱۰ ه.ق)، کتاب العین، مصححان: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرایی، قم: نشر هجرت، ۸ جلد.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۹)، واکاوی فرهنگ سیاسی بر تأمین امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات امنیت نرم در ج.ا.ا. جلد ۲، تهران، دانشکده امام هادی (علیه‌السلام).
- قانع، احمدعلی (۱۳۸۱)، بررسی موضوع و حکم کتب ضاله، رساله دکتری رشته فقه و اصول، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۷)، قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۱)، کتب ضاله؛ رویکردی فقهی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات اسلامی بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، تدوین: شهلا رضایی، کرمانشاه: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
- قدوسیان، علی (۱۳۹۴)، احکام و آثار غیبت از طریق رسانه‌های ارتباطی روز در فقه اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیروان.
- کاظمی خراسانی، شیخ محمد، فوائد الاصول (تقریر درس علامه نائینی)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ چهارم، بیروت: دار صعب، دار التعارف، ۱۴۰۱ ه.ق.
- لرنی، منوچهر؛ مصلحتی، حسین (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، ش ۶ و ۷، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- لینن، ریچارد و مکین‌لای، رابرت (۱۳۸۰)، امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصطفایی، محسن (۱۳۹۲)، بررسی نقش راهبردی رسانه‌های جمعی بر امنیت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۹)، حقوق ارتباطات، با همکاری رؤیا معمدنژاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهیه و تنظیم جمعی از علماء، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم.



مک کوئیل (۱۳۸۲)، دنیس، درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول.

منصوری، محمدجواد (۱۳۹۵)، تهدیدات فرهنگی و راهکارهای تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

منعمی، مجید (۱۳۹۸)، مطبوعات؛ بحران‌زایی و بحران‌زدایی: بررسی نقش مطبوعات زنجیره‌ای در حادثه کوی دانشگاه تهران و قتل‌های زنجیره‌ای، نشر سوره مهر.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹)، نظریه‌های ارتباطات جمعی (اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی)، تهران: انتشارات همشهری.

مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، تحقیق و تألیف: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، زیر نظر محمود هاشمی‌شاهرودی، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷.

میرزایی، محمد (۱۳۹۷)، مناسبات امنیت و آزادی در گفتمان سیاست جنایی، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

نباتیان، محمداسماعیل (۱۳۹۲)، فقه و امنیت (بررسی مبانی فقهی امنیت در نظام اسلامی با عنایت به تطور و توسعه مفهوم امنیت)، رساله دکتری، دانشگاه معارف اسلامی قم.

نجفی، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی فقهی - حقوقی خبر و خبررسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۴۳ جلد، ۱۴۰۴ ه.ق.

نرمان، ل. مان (۱۳۷۸)، اصول روان‌شناسی، ترجمه: دکتر محمود ساعتچی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر..

نوربخش، ملیحه (۱۳۹۰)، معیار حرمت رسانه‌های ضاله در فقه و حقوق اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و حدیث.

نویدینا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبری.

ولی‌پور، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی فقهی و حقوقی احکام خبررسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر - (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

انگلیسی

Dalby, S., *Creating the Second Cold War*. London: The Discourse of Politics, 1990.

Ullman, R., *Redefining Security*. *International Security*. 8:1, 1983.

Wolfers, A. (1962). *Discord and Collaboration*. Johns Hopkins University Press, 1962.



The Jurisprudential Prohibitions of the Media with the Emphasis on Security and the Rule of Lazarar

*Mohammad Hasan Goli Shirdar*¹

*Sleh Montazeri*²

*Hamed Mayeli*³

Today, the media plays an important and unprecedented role in societies and, because of its functions, it can have a direct impact on individual and community security. How to maintain personal and social security during media operations is a very important and relevant concern. According to the position of jurisprudence in regulating the laws of the country, Jurisprudence has the necessary ability to maintain the security of the individual and society in the field of media activity and obtains the necessary grammatical statements. The Imamiyyah jurisprudence is based on the provided evidence, has set up and issued instructions through which Society is able to maintain individual and social security in the media and creates the right conditions for proper information in the media. Imamiyyah jurisprudence on topics such as apostasy, false propaganda, slander, dissemination of content against public chastity and Islamic sacredness, preservation of oral books and ... explaining the legal principles of personal and social security in the field of media. In this study, the three-pronged framework relies on the Peter Katzenstein School of Culturalism, the theory of social responsibility, the media, and the legal jurisprudential principle, used to prove this claim.

Keywords

Imamieh Jurisprudence and Security; Imamieh Jurisprudence and Media; Media and Security; Security and Rule of Lazarar

1. Associate Professor, Jurisprudence and Basics of the Islamic Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran
Mhgolishirdar1964@gmail.com

2. Assistant Professor, Jurisprudence and Basics of the Islamic Law, College of Justice, Judicial Sciences and Bureaucratic Services University, Tehran, Iran
Salehmontazeri@gmail.com

3. , PH.D in Jurisprudence and Basics of the Islamic Law, College of Justice, Judicial Sciences and Bureaucratic Services University, Tehran, Iran
Hamed.mayeli@gmail.com

